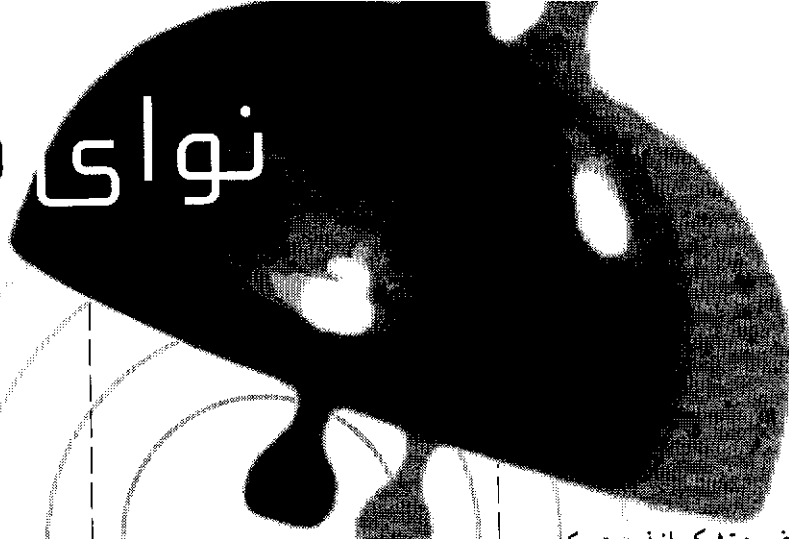




هواد آزمون

# نواي ضرب ر



□ ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار ما گذاشتید، لطفاً خودتان را معرفی کنید.

■ بسم الله الرحمن الرحيم . من سیدحسین مومن زاده و متولد ۱۳۲۵ هستم . در سال ۱۳۵۱ از دانشسرای عالی ورزش آن زمان ، دانشگاه تربیت معلم کنونی ، در رشته تربیت بدنی فارغ التحصیل شدم . از دوران دبستان علاقه مند به ورزش بودم و قبل از این که کار اجرایی ورزش را شروع کنم علاقه مند به مطالعه و جمع آوری تاریخ بودم . به همین دلیل در سن ۱۳ سالگی ، تاریخ کشتی ایران را جمع کردم که مصور است و از قهرمانان و ورزشکاران رشته کشتی امضاء می گرفتیم . از جمله از آقای خادم که در سال ۱۹۴۹ در مسابقه های جهانی استانبول ، عضو تیم ملی کشتی ایران و در سال ۱۳۴۶ رییس فدراسیون کشتی ایران بود . وی پس از مشاهده آلبوم ، مرا به شرکت در کلاس های «آموزشی داور کشتی» تشویق کرد . در سال ۱۳۴۶ ، زمانی که محصل سال اول دبیرستان بودم ، به مدت یک ماه کلاس استاژ فدراسیون کشتی را

اشاره

زمانی که در تحریریه مجله برای مصاحبه کردن از افرادی بحث شد که برای سرفصل پیش کسوتان ورزش مدارس انتخاب شوند ، اولین فردی که از وی نام برده شد آقای حسین مومن زاده بود . وقتی در تابستان ایشان به مسافرت خارج از کشور رفتند ما موفق به مصاحبه با ایشان نشدیم ، با تماس مجدد ، در اواخر آبان ماه توفیق یافتیم خدمت ایشان برسیم و ساعتی را به گفتگو بپردازیم . آقای مومن زاده در مشهد از من به گرمی استقبال کرد و با مشاهده عکسی از جهان پهلوان تختی روی جیب پیراهنش ، دلیل انتخاب وی را برای مصاحبه دریافتم .

با شنیدن صدای ضرب و زنگ زورخانه به ورزش کشیده شده و از کودکی عشق و علاقه وافری به جهان پهلوان تختی پیدا کرده بود . این علاقه حتی در دورانی از زندگی اش متعجب به بازداشت و زندانی شدنش شده بود . در دوران دانش آموزی ، داور بین المللی و ملی کشتی شد و به خاطر علاقه ای که به تاریخ و کشتی داشت ، تاریخ ورزش کشتی ایران را به صورت مصور تهیه کرد . بیست و هشت ساله بود که معلم ورزش شد و به استخدام آموزش و پرورش درآمد و در سن ۵۴ سالگی بازنشسته شد . آنچه که در ادامه مطالعه می کنید حاصل دو ساعت و نیم گفتگو با ایشان است .

تا بهمن ۱۳۵۹ ، مسؤول ورزش آموزشگاه های استان خراسان بودم و پس از آن در مرکز آموزش عالی فنی مشاهد خدمت کردم و در مهرماه ۱۳۷۸ بازنشسته شدم . در دوران دانش آموزی در سطح آموزشگاهی کشتی می گرفتم و مقام های استانی به دست آوردم . چندین کلاس تخصصی بازی های دبستانی را زیر نظر مدرسان آلمانی و آمریکایی در دوران خدمتم در آموزش و پرورش گذراندم .

□ چه عاملی باعث شد که شما به کشتی روی آورید؟

■ من از وقتی که خیلی کوچک بودم ، در مجاورت منزل ما در محله خیابان تهران ، باشگاه ورزش باستانی به نام باشگاه توس بود که اکنون با نام شهدا به فعالیت خود ادامه می دهد . با شنیدن صدای ضرب و زنگ زورخانه که اغلب شنیده می شد در سن کودکی با ورزش آشنا شدم و به آن تمایل پیدا کردم . در همان زمان بدون این که آشنایی من از روی درک و فهم باشد ، صرفاً به دلایل احساسی علاقه مند افراطی به جهان پهلوان

تختی شدم و با جمع آوری عکس های تختی و تهیه آلبوم تاریخ کشتی ایران ، کم کم درک و فهم بیشتری نسبت به موضوع پیدا کردم و به جمع آوری عکس های تختی ادامه دادم که به گفته برادر جهان پهلوان این آلبوم در نوع خودش بی نظیر بود و حدوداً ۱۰ کیلوگرم وزن دارد . البته این عشق و علاقه به تختی مشکلاتی برایم به همراه داشت و باعث بازداشت و زندانی شدنم شد . به

گذراندم و رسماً به جرگه داوران کشتی پیوستم و موفق به کسب گواهی نامه داور ملی و بین المللی شدم . تا سال ۱۳۵۷ ، داور بودم . از سال ۱۳۵۳ ، به استخدام آموزش و پرورش درآمدم ابتدا دبیر ورزش در شهرستان تربت حیدریه و سپس در دبیرستان نصرت الملک ملکی مشاهد مشغول به خدمت شدم که بعدها به دبیرستان آقامصطفی خمینی تغییر نام داد . از زمان پیروزی انقلاب

چشمه  
جوشان  
ورزش  
کشور ما ،  
جوانان  
محصل  
هستند .



# نگ زورخانه عامل گرایش

## به ورزش

این شماره:  
سید حسن مؤمن زاده

هفتمین دلیل حتی یک دوره از همکلاسی هایم در دانشکده عقب افتادم.

□ در دورانی که دبیر ورزش بودید، ساعت های تدریس را چگونه سپری می کردید؟

■ من چون رشته ای که بیشتر فعالیت می کردم، کشتی بود و تمرین کشتی از یک ریتم تنظیم شده خوبی برخوردار بود، قبل از شروع هر کاری، نرمش بسیار کامل و بعد آموزش فنون به ورزشکاران می دادم، به دنبال آن تمرین آموزشی و در نهایت مدتی به صورت جدی ورزشکاران را به کشتی گرفتن وامی داشتم.

وقتی که معلم شدم این سیستم نرمش کردن، آموزش دادن و تمرین را در کلاس نیز پیاده می کردم و چون در رشته بازی های دبستانی نیز دوره دیده بودم، همان منحنی یک ساعت آموزش را پیاده می کردم یعنی ابتدا حرکت های گرم کننده، بعد اصل برنامه و در آخر برگشت به حال اولیه. چون دبیرستان آقامصطفی یکی از دبیرستان های بزرگ و با امکانات در مشهد بود، دانش آموزان بر اساس ذوق، سلیقه، علاقه و احتمالاً مهارتی که داشتند وارد رشته های مختلف می شدند و تمرین می کردند. از کارهای بسیار جالب و اساسی که انجام می دادم، اجرای ورزش صبحگاهی

به صورت جدی و به مدت ۲۰ دقیقه در هر روز بود. نکته لازم برای توضیح این است که به عقیده بنده، چشمه جوشان ورزش کشور ما، جوانان دانش آموز هستند و الان با این دو ساعت ورزشی که در برنامه آنها وجود دارد راهی برای قهرمان شدن ندارند. جوانانی که استعداد دارند باید به کلوپ ها و کانون ها معرفی شوند تا با نظارت افراد متخصص، آموزش های تکمیلی را ببینند و من تا آنجایی که در توانم بود و امکانات اجازه می داد این کار را انجام می دادم. در ابتدای سال برای دانش آموزان پرونده هایی تهیه کردم که مشخصات فردی، جسمانی و خانوادگی آنها ثبت و نگهداری می شد و دانش آموزان شاخص هر رشته را انتخاب و به کلوپ های موجود معرفی کردم، چون عقیده داشتم چشمه جوشان هر رشته ورزشی در مدارس است و اگر معلمان ورزش به وظایف خود بخوبی عمل کنند ورزش کشور متحول خواهد شد و در واقع کلید توسعه ورزش هر کشوری معلم

ورزش است. افراد به ورزش و بازی علاقه ذاتی دارند و اگر امکانات و فضا فراهم باشد به آن روی می آورند. اگر جوانان در مدرسه با ورزش آشنا شوند و در جامعه آن را ادامه دهند، مشکلات جامعه کمتر می شود، زیرا با پر شدن اوقات جوانان، امکان به انحراف کشیده شدن آنها کمتر خواهد شد زیرا همه انحراف ها در حلقه برنامه به وجود می آید. در واقع، توجه به ورزش مدارس و معلمان ورزش مدارس کمک به سالم سازی جامعه خواهد بود.

□ شما مشکل ورزش دانش آموزی را با توجه به این که بر جامعه تأثیر گذار است، در چه می بینید؟  
با این که ما دو ساعت ورزش برای دانش آموزان داریم نه در زمینه ورزش قهرمانی پیشرفتی داریم و نه در جلوگیری از انحراف های اجتماعی جوانان و دانش آموزان توفیقی به دست آورده ایم و این در حالی است که جامعه آن چنان که شایسته است از ورزش و تربیت بدنی برای ایجاد زندگی سالم بهره ای نبرده است.

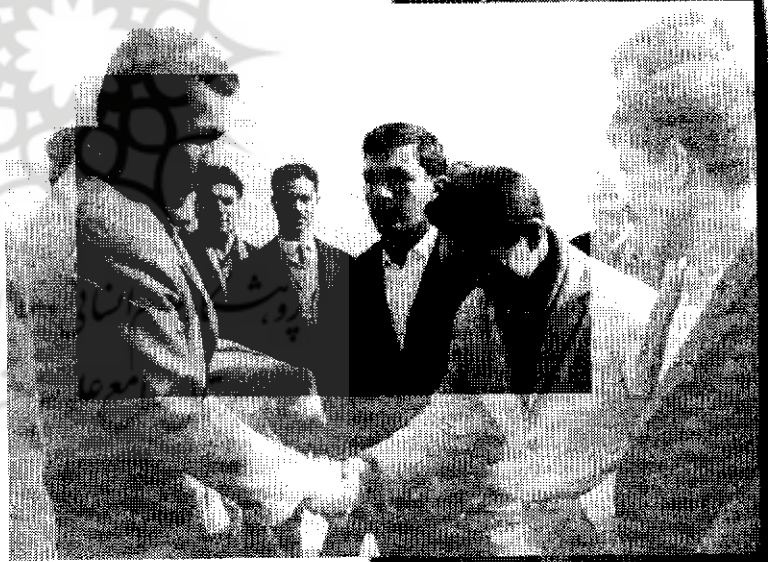
■ ببینید ما پیشرو ورزش در دنیا نیستیم و باید از تجربه های مفید دیگران با توجه به فرهنگ خودمان استفاده کنیم. ما باید برنامه ورزش همگانی داشته باشیم و فعالیت بدنی را با اعتقاد دنبال کنیم. رادیو و تلویزیون ما بیشتر افراد را به نشستن تشویق می کند تا فعالیت دیگران را تماشا و گوش کنند. چرا از متخصصان دعوت نمی شود درباره اهمیت و آثار ورزش برای مردم صحبت کنند و راه درست را به آنها نشان بدهند. نسل جوان و دانش آموز ما از همان دوران مدرسه باید آموزش های لازم را ببیند و در کتاب های مختلف با ورزش و آثار آن همچنین آثار کم حرکتی مطالبی بخواند. در گذشته در

خانواده ایرانی یخچال، آب آشامیدنی سالم و لوله کشی نبود، ولی معدل سن، بالای ۷۰ سال بود. اما حالا، در هر خانه‌ای یخچال وجود دارد، همه آب آشامیدنی تصفیه شده دارند و این همه دارو و پزشک وجود دارد ولی چرا پزشکان ما برای شش ماه آینده نوبت می‌دهند. چرا اغلب مردم دوست دارند فرزندانشان پزشک شود؟ چرا وقتی به بازار برای خرید جنس می‌رویم با فروشنده چانه می‌زنیم ولی اگر پول داروی ما چند هزار تومان شود، چانه نمی‌زنیم؟ این نشانه بیماری مردم است. متأسفانه بالاترین میزان ویزیت بیمار در ۲ ساعت ۳۰ نفر است که متعلق به کشور ماست، حال مجسم کنید همه مردم سالم باشند، خوب مشخص است که پزشک مثل سایر کشورهای پیشرفته به سراغ بیمار می‌رود. این نشانه آن است که مردم ما کم تحرک هستند. بنابراین، معدل سنی هم پایین آمده است. باید اقدام کرد تا مردم با آثار منفی پدیده کم تحرکی و فقر حرکتی آشنا شوند. کجا باید اینها را آموزش داد؟ خوب مشخص است در مدارس. البته ما هنوز کم داریم معلمانی که خودشان هم این حرف‌ها را بدانند. کتاب

چیزی آموزش داده نشده نباید از دانش آموز امتحان به عمل آید. در سال ۱۳۶۵، من در سوریه بودم، دیدم دانش آموزان کتابی به نام «الریاضه» دارند. از آنها سؤال کردم و متوجه شدم برای ورزش کتاب و دفتر دارند. ولی ما چی؟ در سال‌های قبل، وقتی برنامه‌های ورزش در آموزش و پرورش تهیه و کپی شد (از سیستم آموزش و پرورش کشورهای فرانسه و بلژیک) تغییرات نامناسبی صورت گرفت. در برنامه اصلی، درسی به نام physical Education روزی ۱ ساعت و هفته‌ای ۶ ساعت بود، آمدند این را به نام Sports تغییر دادند. تربیت بدنی آموزش دارد. ورزش جایش همین رشته‌های مختلف ورزشی در فوق برنامه است. ۶۸ سال از آن تاریخ می‌گذرد و وضعیت ورزش مدارس همان است که اکنون شاهد آن هستید. نه تجهیزات، امکانات و فضای مناسبی فراهم است و نه نیروی انسانی کامل و ورزیده. تازه اگر یک معلم جوان و سالم ورزشکار که هنوز دچار مشکلات نشده است بخواهد خوب به وظیفه‌اش عمل کند، بچه‌ها را نرمش می‌دهد، آنها را تقسیم می‌کند و توپ در اختیارشان قرار می‌دهد، در پایان هم سوت زده و توپ‌ها را جمع می‌کند. اما او مقرر نیست. چه آموزشی به او می‌دهیم. وقتی برنامه‌ای نمی‌دهیم و امکانات مهیا نیست نمی‌توان توقع زیادی هم داشت. حال اگر این چرخه درست کار کند و همه فعالیت داشته باشند خوب مریض کمتر می‌شود. ورزش و تربیت بدنی جزئی از فرهنگ هر جامعه است. می‌شنویم و می‌خوانیم در فلان کشور هر هفته مسابقه‌های دو و میدانی برای همگان برگزار می‌شود و هزاران نفر شرکت می‌کنند، ولی در کشور ما اگر خیلی استقبال شود، کمتر از صد نفر شرکت کننده داریم. این نشان از تفاوت نگرش فرهنگ‌ها به ورزش است. باید از دوران ابتدایی و در مدارس، دانش آموزان با این مسایل آشنا شوند و بعداً به جامعه منتقل شود. امروزه، بیمار قبول نمی‌کند پزشک به جای دارو برای وی ورزش تجویز کند، این نشانه چیست؟ مشخص است که آموزش درستی صورت نگرفته است و محل این آموزش در آموزش و پرورش است.

#### □ شما ورزش و تربیت بدنی مدارس را در گذشته، حال و آینده چگونه می‌بینید؟

■ در گذشته به دلیل جذب افراد کم سواد، نبود دانشکده‌های تربیت بدنی، وجود افرادی تخصص در علم ورزش (که بعضی از آنها ویژگی‌های یک معلم عادی را هم نداشتند) و نبود برنامه‌ای مدون برای آموزش و آزمایش در سطوح مختلف؛ ورزش مدارس را به چرخ پتجم تبدیل کرد که بود و نبودش یکسان بود. به همین دلیل، والدین دانش آموزان، مدیر واحدهای آموزشی و همکاران فرهنگی برای معلم ورزش و درس ورزش اهمیت چندانی قایل نبودند. این مسأله آن قدر شهرت پیدا کرده بود که در دو دهه گذشته والدین از ورزش کردن فرزندان خود جلوگیری می‌کردند. زیرا



مناسبی تهیه نشده است و هنوز هم بعد از سالیان زیادی که از وجود درس تربیت بدنی در برنامه مدارس می‌گذرد، دبیر ورزش نه کتابی دارد و نه می‌داند که چه چیزی را باید تدریس کند. این در حالی است که این درس نمره دارد و در معدل گیری نیز حساب می‌شود. وقتی آموزش مدونی نیست، آزمایش هم بی‌منطق است. تا



عده کمی از دانش آموزانی که به ورزش روی آورده بودند در پایان سال یا مردود می شدند یا هفت، هشت تجدید می آوردند. در نتیجه در جامعه ما ورزش متضاد با درس و اخلاق شد. به همین دلیل، تمایل به ورزش وجود نداشت و معلم ورزش نیز ارزش چندانی نداشت، هر چند افرادی در گذشته بودند که بر اساس خصلت های درونی خود نزد مردم جایگاه پیدا کرده بودند. معلمان که باید ورزش و تربیت بدنی را آموزش می دادند، عملاً توپ را وسط زمین می انداختند و فقط مراقب این بودند دانش آموزان سروصدای نکنند و شیشه ای را نشکنند و در یک کلام در حد ارشد کلاس بودند. خدا رحمت کند شهید رجایی را که در یکی از سمینارها فرمودند: «اگر چه شما (معلمان ورزش) بیشترین تأثیر را به خاطر شرایط و جو خاص بر نسل جوان دارید، ولی ما معلمان هر وقت از پنجره نگاه می کردیم، می دیدیم که شما یک جا نشسته اید و یا روزنامه می خوانید و تماشاچی هستید.» یعنی عملاً نه معلم

نمی شود، که منشأ تحول باشد.

ورزش و نه آموزشی در کار بود. اما بعد از انقلاب به موازات توسعه واحدهای آموزش عالی رشته تربیت بدنی در استان ها و افتتاح دانشکده های تربیت بدنی، نسل جوان توجه بیشتری به این رشته کرد و علاقه مندان زیادی وارد این رشته شدند که بعد از انتقال به آموزش و پرورش تحول نسبی به وجود آوردند. البته این حالت عکس دوران گذشته شد. معلمان در گذشته از نظر مهارت تا حدودی خوب ولی از نظر تئوری علم ورزش ضعیف بودند، ولی اکنون معلمان از نظر تئوری قوی ولی از نظر مهارتی ضعیف هستند. معلم ورزش موفق کسی است که عملاً در رشته های مختلف ورزشی مهارت داشته و به موازات آن بار علمی هم داشته باشد. متأسفانه در یکی دو سال گذشته تربیت بدنی آموزش و پرورش ضعیف عمل کرده است. ما در بعد از انقلاب چه از نظر جذب نیروهای جوان و تحصیل کرده و چه از نظر تدوین و نشر کتاب های علمی- ورزشی شاهد شکوفایی بسیار قابل توجهی بودیم به طوری که در ظرف پنج تا شش سال، به اندازه پنجاه سال کتاب منتشر شد و منابع علمی در اختیار معلمان ورزش قرار گرفت. با توجه به این که این امر باید سیر صعودی به خود می گرفت ولی این گونه نشد. به طور کلی در ظرف یکی دو سال گذشته شاهد فعالیت درخشانی نیستیم که منشأ اثری مثبت برای آینده باشد. در استان خود ما هم ورزش آموزشی سیر معمول و متعارفی همانند بقیه استان ها دارد و حرکت خاصی دیده

## همه انحراف های نسل جوان در نبودن برنامه های ورزشی به وجود می آید.

□ از نظر تشکیلات، چه جایگاهی برای ورزش و تربیت بدنی آموزشی قایل هستید؟

■ الان تشکیلات فوق العاده ضعیف است. من معتقد به یکی شدن ورزش، به وجود آمدن وزارت ورزش و معاونت ورزش در آموزش و پرورش هستم. اگر معاونت به وجود می آمد و دو اداره کل زیرشاخه آن بود، تحول عظیمی صورت می گرفت در حالی که امروزه با تفکیک اداره کل تربیت بدنی به دو اداره کل دختران و پسران، فقط نیروها تقسیم شده اند و شرایط اجرایی مطلوب نیست. این تفکیک قبلاً هم تجربه شده بود و ما دیدیم با جدا شدن سازمان تربیت بدنی از آموزش و پرورش، همواره بین این دو بخش مشکلات مختلفی وجود داشته است. هر گاه بحث تعدیل و کوچک شدن تشکیلات دولت مطرح بود، دیواری کوتاهتر از ورزش پیدا نمی شد، در آموزش و پرورش هم همینطور. ما امروز شاهد هستیم که مسؤولان از اهمیت ورزش زیاد صحبت می کنند اما در اختصاص اعتبارات، ورزش در آخر قرار می گیرد. ورزش باید یک واحد شود و متولی آن یکی باشد. ما می گوئیم تعلیم و تربیت. تعلیم عبارت از آن وجه تئوری است و تربیت وجه عملی تعلیم است. این تعریف در تربیت بدنی و ورزش هم وجود دارد. بنابراین، افرادی باید در این بخش مدیریت



## چه آموزش تربیت بدنی در کلاس های درس امکان پذیر است، ولی ورزش قهرمانی نیاز به فضا و امکانات فراوانی دارد.

بعداً جذب آموزش و پرورش شدند. خاطره ای از زمان انقلاب دارم. اولین شهری که در آن نام استادیوم سعدآباد به استادیوم تختی تغییر کرد، شهر مشهد بود و زمینه آن را هم ما فراهم کردیم که به اتفاق گروهی از ورزشکاران در سخنرانی مقام معظم رهبری شرکت کرده بودیم. ایشان در بین سخنرانی خود اعلام کردند، گروهی از ورزشکاران تقاضا دارند نام ورزشگاه به تختی تغییر یابد و با این اعلام، همه مردم به علامت موافقت تکبیر سر دادند و من در آنجا مسؤول کمیته انتظامات بودم. از دوران کودکی خاطره جالبی دارم. من از کودکی همیشه در بازی ها نقش سرگروه را داشتم. یادم نمی رود یک روز بچه های محله را جمع کردم و به آنها گفتم که می خواهم مسابقه دو اجرا کنم و چون وسیله ای برای مشخص کردن بچه ها نداشتم با استفاده از آلبالو روی پیراهن بچه ها شماره گذاری کردم که بعداً خانواده ها اعتراض کرده بودند. در همان مسابقه خودم استارت می کردم و همراه بچه ها دویده و در پایان خط می زدم. من از بچگی به ورزش علاقه داشتم و همین علاقه بود که مرا به جرگه معلمان و مربیان ورزش کشاند و از آن دوران احساس رضایت کامل دارم.

□ به عنوان آخرین سؤال، آیا پیام خاصی برای همکاران و معلمان ورزش دارید؟  
■ بله، توصیه من به همه همکاران و دبیران ورزش این است که به همان شعارها و هدف هایی عمل کنند که در تربیت بدنی مطرح است.

کنند که متخصص آن، هم در زمینه تئوری هم عملی باشند.

□ نظر شما در رابطه با چاپ و انتشار مجله ها، کتب تخصصی و خصوصاً مجله رشد آموزش تربیت بدنی چیست؟  
■ شما می دانید که اگر فردی بخواهد در رشته خودش پیشرفت کند و فردایش بهتر از امروز باشد، باید مطالعه کند و باید هر روز بخشی از اوقات خود را به این امر اختصاص دهد. این مطالعه مآخذ و کتاب هایی لازم دارد که پر محتوا، پرجاذبه و ارزان باشد. طبیعی است که هر قدر در این زمینه فعالیت، کتاب به روز ترجمه و چاپ و مجله های جدید تدوین و منتشر شود و در اختیار معلمان قرار گیرد به توسعه ورزش کمک شده است.

□ برگردیم به سؤال های اولیه، خود شما روزانه چقدر ورزش می کنید؟

■ من الان که کار بخصوصی ندارم؛ به جز روزهای جمعه، همه روزه حدوداً ۵۰ دقیقه در پارک نزدیک به منزلم ورزش می کنم و اغلب ساعت ۱۰ صبح یا ساعتی در بعدازظهر، به امر ورزش خودم اختصاص داده ام.

□ خاطره هایی هم از دوران خدمت خود دارید؟  
■ یکی از چیزهایی که خیلی راضی ام می کند، آن دو سالی که مسؤول تربیت بدنی استان بودم، باقیات و صالحاتی را برای خودم به جا گذاشته ام که همانا تربیت نیروهای خوبی بود که